



روبن
دارد
از پله‌ها
پایین
می‌آید.

امروز تولد مادر روبن است و آن‌ها
می‌خواهند بروند لب دریا!



ای وای نه! گلدان سفالی که روبن برای تولد مامانش درست کرده بود، شکست! حالا روبن چاره‌ای ندارد جز اینکه هدیه‌ی دیگری آماده کند، اما چی؟

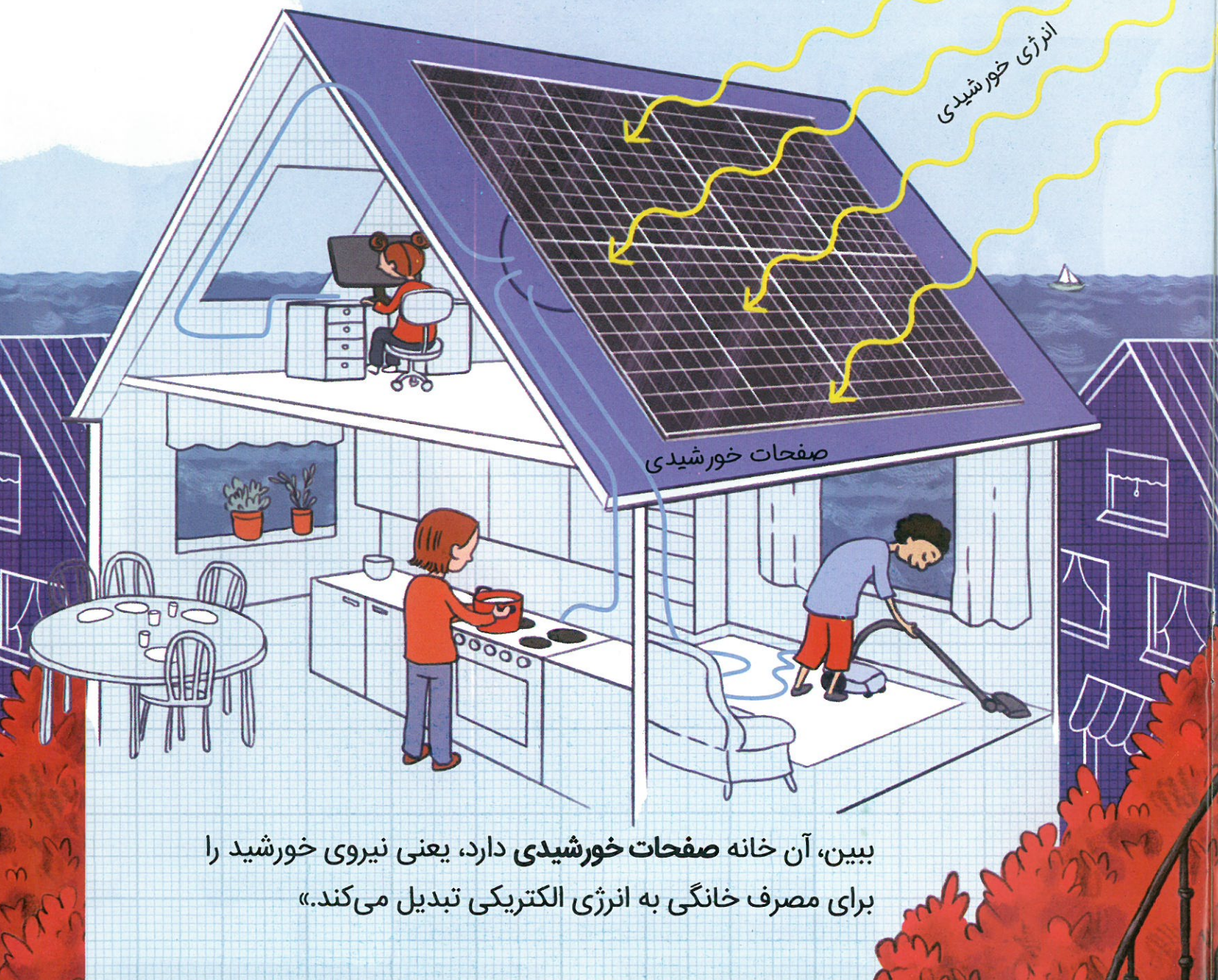


خورشید از پشت ابر بیرون می‌آید و در آسمان می‌درخشد.
مادر می‌گوید: «درست است که الان پاییز است، ولی خوب
شد کرم ضد آفتاب زدیم.»



روبن می‌پرسد: «خورشید که این‌همه از ما دور
است، چطور می‌تواند پوست ما را بسوزاند؟»

مادر توضیح می‌دهد: «خورشید شبیه یک توپ آتش خیلی بزرگ است که فقط نور تولید نمی‌کند، بلکه حرارت هم دارد. فضای اطراف خورشید می‌تواند ۴۰,۰۰۰ برابر داغ‌تر از حرارت اجاق گاز باشد!



ببین، آن خانه صفحات خورشیدی دارد، یعنی نیروی خورشید را برای مصرف خانگی به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.»